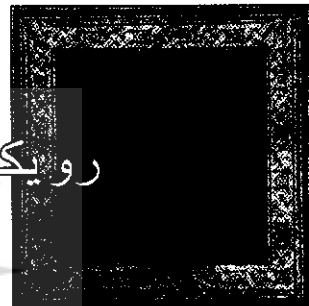


## رویکرد اسلام به عهد جدید

دکتر عباس همامی<sup>۱</sup>  
احسان پور اسماعیل<sup>۲</sup>



(از ص ۴۸ - ۶۱)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

در جهان امروز، مسیحیت طرفداران بسیاری دارد؛ اینان با مراجعه به کتاب مقدس سعی در شناسایی راه زندگی را دارند؛ اما همواره در تاریخ دین عیسوی (ع) این پرسش مطرح می‌شود که آیا این کتاب قابل مراجعه است؟ به عبارت دیگر آیا کتاب مقدس آلوده به تحریف شده است؟ این پرسش‌ها، بارها توسط دانشمندان مسیحی پاسخ داده شده است. اما باید دید نگاه قرآن به این مسأله چگونه است؟ و اهل بیت (ع) به عنوان مفسران قرآن به کتاب مقدس چگونه نگرسته‌اند؟ در این مقاله می‌کوشیم مسأله یاد شده را مورد بحث قرار دهیم.

**کلید واژه‌ها:** قرآن، اهل بیت، عهد جدید، تحریف اناجیل، انجیل برنابا.

## مقدمه

به یقین، قرآن مجید احترام ویژه‌ای به حضرت مریم و یگانه فرزندش عیسی (ع) می‌نهد. از صدر تاریخ اسلام تاکنون این احترام پیوسته وجود داشته و سبب جذب مسیحیان به اسلام بوده است.

قرآن کریم، حاوی معرفی شخصیت مریم مقدس و خصوصیات حضرت عیسی (ع) از بحث پیرامون خلقت او تا ویژگی‌های اخلاقی، معجزات، بشارت و ... است. در نبوت او هم تردیدی نیست بلکه قرآن با صراحت کلام او را گزارش داده که: *قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا* (مریم، ۳۰). وقتی سخن از پیامبری او می‌شود، نبوت او بر خلاف دیدگاه برخی مسیحیان با نزول کتاب، معرفی می‌گردد.

میلر می‌گوید: عیسی مسیح، کتابی همراه خود نیاورد بلکه خویشتن را آورد و همه چیز به فراوانی در او موجود بود (ص ۱۱۳). اما این سخن را تنها می‌توان، اعتقاد او و یا گروهی از مسیحیان دانست. چه این که قرآن، مسیح (ع) را آورنده‌ی کتاب می‌داند، که می‌گوید: *آتَانِيَ الْكِتَابَ* (همانجا).

قرآن همانند مسیحیان از این کتاب با عنوان انجیل یاد می‌کند و عیسی (ع) را دارای علم کتاب، حکمت، تورات و انجیل معرفی می‌کند و *يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالانجِيلَ* (آل عمران، ۴۸). نکته‌ی مهم در آگاهی عیسی (ع) نسبت به تورات و استفاده‌ی او از این کتاب در طول حیات خویش است که بر همین اساس مسیحیان جهان، امروز این کتاب را مقدس شمرده و آن را از متون دینی خود می‌دانند. این در حالی است که آموزه‌های عیسوی هیچ‌گاه در باور یهودیان گنجانده نشده تا جایی که یهودیان در انتظار ظهور مسیح به سر برده و این تفکر سبب بروز مکاتب مختلفی شده است (پورا سماعیل، ۳۷).

قرآن، تصویری کامل از زندگی حضرت عیسی (ع) ارائه کرده اما با وجود همه‌ی گفته‌ها درباره زندگی مسیح، نگرش قرآن به کتاب آیین عیسوی، عهد جدید، از آن رو باید مورد ارزیابی قرار گیرد که هنوز درگیری مسیحیان بر سر تحریف یا عدم تحریف این کتاب به پایان نرسیده است. اگر چه در نگاه نخست شاید، موضع قرآن برای جامعه‌ی مسیحیت مقبول نباشد، اما هنوز در

میان طرفداران این آیین، طالبان راه سعادت پیدا می‌شوند که تعقل را بر اعتقاد حاکم می‌کنند. جدای از این انگیزه، رویکرد قرآن و اهل بیت (ع) به کتاب مقدس برای ما نیز از آن رو دارای اهمیت است که در رهگذر تحقیق، دامنه‌ی استفاده از این کتاب برایمان روشن گردد.

#### نقدی از درون جامعه‌ی مسیحیت

محتوای عهد جدید عبارت است از مکاشفه‌ی این عهد و پیمان جدید از طریق کلمات ثبت شده‌ی عیسی مسیح (ع) و پیروان او. یکی از تفاوت‌های اساسی قرآن با عهد جدید در این است که قرآن به هنگام نزول نگاشته شد اما زمان نگارش عهد جدید بعد از مسیح (ع) و توسط ۹ نویسنده و با استناد به حافظه‌ی هریک بوده است (مریل، ۱۳۶).<sup>۱</sup>

در قرن ۱۸ و ۱۹م بسیاری از دانشمندان، کتاب مقدس را مورد انتقاد قرار دادند که بررسی آن مجالی دیگر می‌طلبد. اما از تأثیر این انتقادات نباید غافل شد. جریان نقد وقتی برای شورای کلیسا جدی‌تر تلقی شد که اندیشه‌ی هریک از نقادان طرفدارانی را به وجود آورد و موجی از مکاتب گوناگون را در آستانه‌ی قرن ۲۱م در جامعه رقم زد.

برای نمونه به چند نقد که ریشه در قرون پیش داشته ولی هم چنان میان محققان بحث برانگیز است اشاره کرده و نگاهی اجمالی به نظرات دانشوران مسیحی به اناجیل ازبعه خواهیم داشت:

#### ۱- انجیل متی:

پرسش اصلی درباره‌ی انجیل متی این است که زبان عهد عیسی (ع) آرامی بوده است یا عبری؟ گروهی برآنند مشخص شدن زبان ما را به ترجمه‌ی اصلی انجیل رهنمون می‌سازد. درباره‌ی زبان نخستین انجیل متی عقاید متفاوتی بیان شده است و غالب کارشناسان به آرامی (فیلسون، ۴۵) و برخی به یونانی بودن آن اشاره دارند (مریل، ۳۷). انجیل متی که هم اکنون در دسترس است به زبان یونانی است حال آن که باید به زبان آرامی یا عبری که زبان عیسی (ع) بوده است، باشد ولی نه تنها اصل آن موجود نیست بلکه انجیل کنونی هم که به زبان عبری است ترجمه‌ای است از انجیل یونانی و مترجم آن نیز مشخص نیست. مواردی از کم و زیاد شدن انجیل متی را می‌توان در کتاب "انیس الأعلام فی نصره الاسلام" (فخرالاسلام، ۱/مبحث تحریف) ملاحظه کرد. پیشینه‌ی یهودی متی باعث شده که مسیحیان او را متهم به غرض ورزی کنند تا جایی که

۱- البته اگر بنا به اعتقاد برخی مسیحیان، پولس رسول را نویسنده رساله عبرانیان ندانیم این تعداد به ۸ نفر قابل تقلیل است (رک: پوراسماعیل، ۲۰).

فلوید فیلسون فهرست نسب نامه ی مسیح را در آغاز انجیل بسیار مبتذل معرفی کند (فیلسون، ۳۷).

## ۲- انجیل مرقس:

انجیل مرقس کوتاه‌ترین و قدیمی‌ترین انجیلی است که امروز در دسترس قرار دارد. این انجیل نوشته‌ی یک حواری نبوده و تنها شاید نوشته‌ی شاگرد یک حواری باشد (بوکای، ۹۱). با این همه بسیاری از شخصیت‌ها در انجیل مرقس روشن‌تر از متی وصف شده‌اند (مریل، ۱۸۶) مصنفین سلف، اتفاق نظر دارند که هر چند مرقس از حواریون نبوده اما انجیل خود را تحت تأثیر پطرس تصنیف کرده است (هاکس، ۷۹۳). معتبر بودن دوازده آیه‌ی آخر این انجیل مورد تردید قرار گرفته است. چه این که بسیاری از نسخه‌های قدیمی و معتبر، این آیات را ندارد از سوی چندین خاتمه برای انجیل مرقس وجود دارد ولی آن چه متداول است بنا بر نظر برخی از همه بهتر است (مریل، ۱۸۲). درباره‌ی نویسنده‌ی این انجیل اطلاعات اندکی وجود دارد و نام او در هیچ جای این کتاب نیامده است.

## ۳- انجیل لوقا:

انجیل لوقا با قواعد و احکام کلیسا همخوانی بیشتری دارد. ولی خاتمه‌ی این انجیل (۲۰: ۱۶-۹) از سوی برخی مصنفان جدید، چندان قابل استناد نیست. زیرا این خاتمه در دو نسخه از قدیمی‌ترین انجیل‌های کامل دستنویس مربوط به قرن چهارم میلادی است - وجود ندارد (بوکای، ۹۴). از نامه‌های پولس به دست می‌آید که یک نفر به نام لوقا مصاحب و همراه پولس بوده اما آیا این همان مولف انجیل لوقا است یا نه؟ هیچ‌گونه سندی که بتواند اتصال تاریخی لوقای کنونی را به عهد رسولان برساند، در دست نیست.

## ۴- انجیل یوحنا:

انجیل یوحنا با سه انجیل دیگر تفاوت کلی دارد. اولاً؛ قصص آن که در اناجیل دیگر یافت نمی‌شود و برخی حکایات سایر اناجیل نیز در این انجیل وجود ندارد. همچون حکایت تشریح عشاء ربانی که یوحنا مسأله‌ی نماز را در انجیل اش ذکر نمی‌کند. موضوع رسالت حضرت عیسی (ع) که سایر اناجیل آن را یک سال می‌دانند در یوحنا بیش از ۲ سال ذکر شده است

(بوکای، ۱۰۲). این انجیل در صدد معرفی عیسی (ع) به عنوان پسر خداست و تلاش یوحنا بیان نوع خاصی از لاهوت مسیح است. تأکید این انجیل بر افکار مابعد الطبیعه بسیاری از دانشوران مسیحی را به تردید در این که مصنف آن یوحنا ی حواری بوده، کشانده است (دورانت، ۳ / ۶۵۵). با ملاحظه ی اسلوب نگارش این انجیل در می یابیم که نویسنده، مطالب را از شخص دیگری نقل می کند و خود شاهد واقعه نیست که این مطلب اسناد این انجیل را به یوحنا ی حواری تضعیف می کند.

نتیجه آن که اناجیل چهارگانه فاقد پیوستگی لازم بوده و تناقض های آن زایل ناشدنی است. از این رو می توان اظهار داشت که انجیل ها به صورتی که در دست داریم انتقال آن مطالبی است که امام مسیحی نخستین از زندگی و رسالت حضرت عیسی می دانستند. هم چنین انعکاس عقاید و مدرکات کلامی کسانی است که انجیل نویسان از آنها نقل کرده اند (بوکای، ۱۰۶). به دلیل دخالت بشر در تألیف کتاب مقدس، این کتاب مصون از خطا نیست. در این موقعیت تشخیص خطا از صحیح و شکل پیام از اصل پیام بسیار دشوار است و معیاری نیاز دارد که متأسفانه تاکنون مسیحیان بر آن اجماع نکرده اند (کاشفی، ۶۷).

از سویی کثرت اناجیل در سال ۳۶۴ میلادی باعث شد که بزرگ ترین علمای کلیسا در "لائوسیه" فقط ۴ انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا را معتبر اعلام داشته و سایر اناجیل را مجعول بدانند. بعدها نیز قسمت دوم عهد جدید که شامل اعمال رسولان و نامه های پولس و... می باشد، به عهد جدید ملحق گردید. به گفته ی توماس میشل این توافق در باب کتاب مقدس از طریق نوعی اجماع حاصل شد. این اجماع خیلی زود به دست آمد و فهرست نخستین کتاب های مقدس میان سال های ۱۵۰ - ۲۰۰ میلادی تهیه شد و پس از چند قرن، کلیسا به طور رسمی روشن ساخت که چه کتاب هایی را باید مقدس شمرد (میشل، ۵۱).

ویل دورانت می گوید: چهار انجیلی که به دست ما رسیده بازمانده ی اناجیل متعددی است که در قرون اولیه میلادی میان مسیحیان رواج داشته است و قدیمی ترین نسخه های خطی محفوظ مانده ی اناجیل مربوط به قرن سوم است و نسخه های اصلی ظاهراً بین سال ها ۶۰ الی ۱۲۰ میلادی نوشته شده است (۳ / ۶۵۴).

این حقیقت در حالی به وجود آمده است که به یقین نمی‌توان وجود هر یک از چهار انجیل را نازله از سوی خداوند بر عیسی (ع) بدانیم.

### نگاه قرآن به عهد جدید

در قرآن دوازده بار، نام انجیل آمده است. ولی از سایر کتب عهد جدید سخنی به میان نیامده و معلوم نیست که انجیل مورد نظر قرآن تا چه اندازه با هریک از اناجیل و کتب دیگر عهد جدید همخوانی دارد.

در این کتاب، انجیل به عنوان نعمتی الهی به عیسی (ع) معرفی می‌شود. آن‌گاه که پروردگار به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل را آموخت: **إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَشَرَىٰ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ** (المائدة، ۱۱۰) و جالب این‌که همه‌ی این موارد - به خصوص آگاهی از توراتی که یک بار در جامعه طرح شده و پس از آن آلوده به تحریف گردیده است - باید به وجود بیاید، تا عیسی شرایط پیامبری بنی اسرائیل را پیدا کند: **وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِيسُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ كَمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** (آل عمران، ۴۹).

تصدیق تورات واقعی توسط عیسی (ع)، حقیقتی است که قرآن بارها از آن یاد می‌کند و **قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتِيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ** (المائدة، ۴۶) یعنی: و از پی پیامبران پیشین عیسی بن مریم را فرستادیم که تورات پیش از خود را تصدیق داشت و انجیل را به او دادیم که در آن نور و هدایت بود و مصدق تورات پیش از خود و هدایت و پندی برای پارسایان بود.

وجود قرآن، به عنوان کتابی آسمانی و از جانب خدا، خود دلیلی بر وجود تورات و انجیل است

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ؛ مِنْ قَبْلِ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ (آل عمران، ۴۳). چند نکته از این آیه مورد توجه است:

الف) مورد مهم در آیه ی فوق این است که قوام و سبب پذیرش کتاب مقدس به وجود قرآن معرفی شده است. خطاب پروردگار به پیامبر (ص) این گونه است: این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم که تصدیق کننده ی کتاب های پیشین است و تورات و انجیل را پیش تر نازل کردیم که راهنمای مردم باشد و .... به عبارت دیگر قرآن علاوه بر این که نسبت بر کتاب های پیشین آسمانی برتری دارد، درستی و راستی آن ها را نیز تصدیق می کند و گواهی گویا بر حقایق آن کتاب هاست.

این ویژگی از مواردی است که دستاویز قرآن برای ایمان آوردن اهل کتاب به آیین اسلام است. بدین معنی که پیروان کتاب های آسمانی با تصدیق قرآن نسبت به کتاب دین شان، باید ایمان بیاورند یا آنها الذین أوتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (النساء، ۴۷).

ب) در آیه ی شریفه تعبیر "انزال" در مورد انجیل به کار برده شده و گویای این مطلب است که انجیل، کتابی نازل شده از جانب خداوند است. چه این نزول را دفعی بدانیم، که بیشتر با واژه ی "انزال" مطابق است، چه تدریجی، باید پذیرفت که کلام مسیح (ع) پیشینه ای وحیانی داشته اگر چه امروز سالم به دست ما نرسیده است.

ج) آن چنان که اشاره شد خطاب قرآن انجیل است نه اناجیل و این تعبیر دال بر پذیرش تنها یک کتاب با عنوان انجیل از جانب خدای متعال است. همان گونه که در سایر آیات هم ملاحظه می شود مثلاً يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (آل عمران، ۶۵). اناجیل اربعه در عصر رسالت پیامبر (ص) در جامعه ی مسیحیت وجود داشته که در واقع مؤید این مطلب است که قرآن، مکتوب دست بشر را انجیل نمی داند. از سویی در برخی از آیات، قرآن مهیمن معرفی شده است: وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا

جاءك مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِنَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (المائدة، ۸۴). بدین معنی که قرآن می‌تواند به جهت سلطه و برتری بعضی احکام کتب آسمانی قبلی را تغییر داده و احکام جدیدی وضع کند و از دیگر سو، قرآن بحث تحریف را نفی نمی‌کند. چه این که در هیچ یک از عهدین سخن از پیامبر آخر الزمان نیامده است الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (الاعراف، ۱۵۷). ابو حمزه ثمالی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: فی قوله: [یجدونه] یعنی اليهود والنصارى صفة محمد واسمه [مکتوباً عندهم فی التوراة و الإنجیل یأمرهم بالمعروف و ينهاهم عن المنکر] (عیاشی، ۲ / ۸۷).

این مهم در حالی است که در انجیل برنابا، بشارتی پیرامون پیامبر اسلام وجود دارد در حالی که این انجیل هرگز مورد پذیرش شورای کلیسا و مسیحیان امروزی نیست.

### انجیل برنابا

برنابا، یکی از حواریون است که سران کلیسا آنها را «رسل» می‌خواندند. عهد جدید از برنابا به عنوان یوسف یاد می‌کند. وی اهل قبرس و از قبیله لای است. پولس در طول زندگی مدت‌ها مصاحبت با برنابا را تجربه کرده بود و علت اطمینان نمودن شاگردان مسیح به پولس همنشینی او با برنابا بوده است. در حالی که اگر چنین نبود به سبب عداوت دیرینه پولس با مسیحیت، کسی به او اعتماد نمی‌کرد (رک: اعمال رسولان، ۲۶: ۹۰ - ۲۸).

البته این دوستی بین برنابا و پولس سرانجام به اختلاف و جدایی انجامید. زیرا پولس به تعلیمات جدیدی پرداخت که با آن چه حواریون از مسیح دریافته بودند مخالف بود. ولی همین تعالیم در ادامه غلبه یافت و پایه ی مسیحیت گردید. تا جایی که حتی دایره المعارف فرانسه اذعان دارد که به عقیده جمعی از دانشمندان اناجیل مرقس و یوحنا از ساخته‌های پولس است (برنابا،



۴۶). پس شگفت آور نیست که کلیسا، انجیل برنابا را توسط پاپ «ژول گلاسیوس اول» غیر قانونی اعلام کند.

علت اصلی طرد این انجیل، مخالفت آشکار آن با تعالیم پولس بود. مسیحیان به عنوان جعلی بودن برنابا اکتفا نکرده بلکه آن را از جعلیات مسلمانان برشمردند (پوراسماعیل، ۲۶). یگانه نسخه‌ی منحصر به فرد و معروف در جهان از این انجیل نسخه‌ی ایتالیائی است که در کتابخانه سلطنتی وین می‌باشد. نسخه‌ی دیگری از این انجیل به زبان اسپانیائی در دسترس است که در مورد آن ادعا شده ترجمه‌ی همان نسخه ایتالیائی است و در مقدمه‌ی آن از کاشف نسخه‌ی ایتالیائی سخن به میان آمده راهب لاتینی به نام «فرامرینو» بر رساله‌های «ایرنادوس» دست یافته و در یکی از آن رساله‌ها نامه‌ای بوده که در آن تصریح به قبح اعمال قدیس پولس رسول شده است که «ایرنادوس» این مخالفت را به انجیل قدیس برنابا استناد می‌دهد. راهب مذکور علاقه مند می‌شود تا آن انجیل را به دست آورد و از آن جاکه مورد اعتماد پاپ سکتوس پنجم بوده است روزی همراه او وارد کتابخانه می‌شود و در فرصت موفق می‌شود انجیل برنابا را از کتابخانه خارج کرده و با مطالعه‌ی آن مسلمان شود (برنابا، ۴۰).

نکته‌ی قابل توجه در مورد انجیل برنابا این است که این انجیل در موارد بسیاری با اناجیل چهارگانه‌ی مشهور مبیانت داشته و با آموزه‌های اسلام یکسان و یا نزدیک‌تر است. از جمله: - الوهیت عیسی و پسر خدا بودنش را منکر شده است که این باور با آیات قرآن سازگاری داشته و گزارش آن در سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۳۰ آمده است (همان).

۲- در جریان قربانی کردن حضرت ابراهیم (ع) به فرمان الهی، ذبیحه را اسماعیل معرفی می‌کند و نه یحیی که این مطلب نیز سازگار با آیات قرآن و مأثورات روایی است (مجلسی، ۹۸ / ۲۳۳).

۳- مسیا یا مسیح منتظر را عیسی ندانسته و بلکه حضرت محمد (ص) می‌داند که با رسالت پیامبر اسلام (ص) مطابقت دارد.

- مصلوب شدن عیسی را منکر شده و بلکه همانند مسلمانان معتقد است که مسیح (ع) به آسمان عروج نموده است (رک: همای و...، ۵۳-۶۳).

این انجیل در بعضی موارد نیز با قرآن کریم مطابقت ندارد. از جمله در مورد زایمان بدون درد

حضرت مریم و نیز در داستان حضرت آدم در موضوع شجره‌ی ممنوعه و سجده نمودن ملائکه برای آدم و ....

پس این که عده‌ای گمان کرده‌اند انجیل برنابا تألیف یک مسلمان است هرگز صحت ندارد (قرلباش، ۷). چه این که موارد اختلاف فراوانی بر اساس مبانی اسلام در آن دیده می‌شود.

برخی از موارد مطابق و متضاد انجیل با قرآن

اگر چه بنا به باور اسلامی: وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (آل عمران، ۸۵). اما اسلام در بسیاری از آموزه‌ها به تأیید آیات انجیل و تورات می‌پردازد. به عبارت دیگر قرآن مؤید همه‌ی انجیل و تورات واقعی و تحریف نشده است. مثلاً وقتی سخن از جهاد در قرآن می‌آید، این کتاب آسمانی معتقدات قرآنی را همانند عهدین معرفی کرده و پاداش مؤمنانی که در راه خدا می‌جنگند و کشته می‌شوند را معامله در قبال بهشت معرفی می‌کند: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبة، ۱۱۱).

یا وصف اصحاب مؤمن پیامبر (ص) (قمی، ۱ / ۳۳) و حتی جانشین حقیقی او، امام علی (علیه السلام) (استرآبادی، ۵۸۱) که در ذیل آخرین آیه‌ی سوره‌ی فتح آمده است مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (الفتح، ۲۹) که وصف این گروه در انجیل مانند کشته‌ای است که جوانه زند و آن جوانه محکم شود تا به تدریج قوت گرفته، بر ساقه‌های خود بایستد تا کشاورزان را به شگفتی در آورد.

نقد عملکرد مسیحیان در برابر تعالیم انجیل از جمله موارد مورد اشاره‌ی قرآن مجید است ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (الحديد، ۲۷). در این مقاله مجال بحث در موارد مخالف نیست. اما باید دانست بسیاری از باورهای مسیحی با باورهای قرآنی در تضاد است. حتی در بسیاری از موارد، مانند نظریه ی تثلیث، اعتقادات مسیحیان در تناقض با عقل فطری است و همین رویگردانی از طریق فطرت است که قرآن به توبیخ معتقدان اناجیل می پردازد: و باید اهل انجیل مطابق آن چه خدا در آن نازل کرده حکم کنند و هر که مطابق آیات الهی حکم نکند آنها قطعاً از اطاعت خدا بیرون رفته اند [ ( المائدة، ۴۷) . قرآن به طرفداران انجیل وعده ی بهشت داده است: ] اگر اهل کتاب تقوا پیشه ی خود می کردند، به یقین گناهانشان بخشیده شده و به بهشت برین راه پیدا می کردند. اگر آنان به اقامه ی آموزه های تورات و انجیل و آن چه که از جانب پروردگار برایشان نازل شده می پرداختند بی تردید از بالای سر و از زیر پایشان روزی می خوردند [ ( المائدة، ۶۵-۶۶) . در آیه ای دیگر اعتبار اهل کتاب به برپایی آموزه های تورات و انجیل موکول شده (المائدة، ۶۸) شاید قرآن به انگیزه ی تحریف در ادامه ی این آیه اشاره دارد که چون آن چه از جانب خدا نازل شده بر خلاف تمایلات آنهاست به طغیان آنان می افزاید.

#### نگرش اهل بیت (ع) به عهد جدید

به اعتقاد شیعه، اهل بیت (ع) به عنوان مفسران قرآن بعد از پیامبر (ص) به شأن تبیین قرآن، همانند رسول خدا (ص)، پرداختند: بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (النحل، ۴۴). از این رو عملکرد آنان در باره ی اناجیل مهم جلوه می کند. از سویی علم جانشینان پیامبر (ص) به اندازه ای است که با هر یک از اهل کتاب با کتاب خودشان به محاجه پرداختند. نمونه های فراوانی از این عملکرد را می توان در مآثرات شیعی یافت. حتی در احوال امام عصر (عج) به هنگامه ی ظهور آمده است که با اهل کتاب بنابر آموزه های کتاب آسمانی شان سخن گفته و حکم می نماید: "یحکم بین اهل التوراة بالتوراة و بین اهل الانجیل بالانجیل و بین اهل الزبور بالزبور و بین اهل القرآن بالقرآن... " (نعمانی، ۲۳۷). این عملکرد در زمان خاندان پیامبر (ص) همواره در جامعه مطرح بود که حدتهایی آن در روزگار ظهور تجربه خواهد شد. از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان از قول جد بزرگوارشان

امیرالمومنین (ع) فرمودند: "لو تُئیت لی الوسادة فجلست علیها، لافتیت اهل التوراة بالتوراة و اهل الانجیل بالانجیل و اهل الزبور بالزبورهم و اهل القرآن بقرآنهم" (طبرسی، ۱ / ۲۵۸).

با بررسی روش اهل بیت (ع) می‌توان نگاه آنان را به دو نوع تقسیم نمود:

- در نگاه نخست، آنان عهدین را کتابی تحریف شده قلمداد می‌کنند و این نوع برخورد با کتاب مقدس را می‌توان در جای جای زندگی آنان پیدا نمود. مثلاً نقل شده است: در جلسه‌ای که به دستور مأمون عباسی با حضور علمای فرق و ادیان گوناگون برپا شد از حضرت رضا (ع) نیز دعوت به عمل آمد. در قسمتی از مناظره‌ی ایشان با "جاثلیق" این چنین آمده است: "ای جاثلیق، برای من نسبت به انجیل هنگامی که مفقود شد، خبر بده که آن را نزد چه کسی یافتید؟" وی در پاسخ گفت: فقط یک روز آن را گم کردیم و سپس آن را تازه و شاداب یافتیم و آن را متی و یوحنا بیرون آوردند. حضرت فرمودند: چنین نیست، وقتی انجیل عیسی (ع) مفقود شد مسیحیان نزد علمای خود آمدند و گفتند: چاره نیست. انجیل عیسی مفقود شده است. لوقا و مرقس در جواب گفتند: انجیل و کتاب عیسی در سینه‌های ما است هر وقت نوشتیم به اطلاع شما می‌رسانیم. سپس لوقا و مرقس و یوحنا و متی این انجیل فعلی را برای شما نوشتند" (صدوق، ۱۶۲).

- نگاه دوم جانشینان پیامبر (ص)، استفاده‌ی آنان در احتجاجات خود در برابر رهبران ادیان است. نظیر نقلی که در متون شیعی از محاجه‌ی حضرت رضا (ع) با جاثلیق آمده است که طی آن، حضرت با توجه به انجیل و بشارت عیسی، اوصاف پیامبری رسول اکرم (ص) را اثبات کرده و آن‌گاه نام جانشین پیامبر آخر الزمان، هم چنین نام یگانه دخت او و دو فرزندش را در انجیل حقیقی به او نشان داده‌اند که این کار موجب اعتراف جاثلیق و رأس الجالوت - دانشمند بزرگ قوم یهود - گردید (مجلسی، ۲۰ / ۵۱). از این رو چگونگی استفاده‌ی ما از عهدین در مطالعات و تحقیقات فرا رو با توجه به روش قرآن و سلوک اهل بیت (ع) مشخص می‌گردد.

#### نتیجه

قرآن مؤید انجیل و تورات واقعی و تحریف نشده است و آن را به عنوان کتابی آسمانی معرفی می‌کند. اسقاط و تحریف عهد جدید کاملاً از عبارات قرآن روشن می‌گردد و این مطلب امری

غیر قابل انکار است. در عرف قرآن، انجیل کتاب آسمانی نازل شده بر عیسی (ع) از طرف خداوند است که جز وحی الهی چیزی نیست. پس چیزی با عنوان اناجیل مورد پذیرش قرآن قرار نگرفته است. هم چنین قرآن، کتاب مقدس را تصدیق می‌کند. ولی این تصدیق مربوط به بخش تحریف نشده‌ی این کتاب است. لذا خود را مهیمن انجیل معرفی می‌کند. به دلیل دخالت بشر در تألیف کتاب مقدس، این کتاب مصون از خطا نبوده تا جایی که دانشوران مسیحی، خود به تناقض‌هایی اشاره کرده‌اند.

شورای کلیسا به دلیل وجود انجیل‌های فراوانی مجبور به انتخاب چهار انجیل شد که با این گزینش، شمار فراوانی از انجیل‌ها از جمله برنابا متروک شد. اگر چه انتساب این انجیل‌ها به برنابای حواری مورد تردید است ولی محتوای فعلی آن منطقی‌تر و اصولی‌تر از اناجیل رسمی بوده و در برخی موارد با عقاید مسلمانان مطابقت دارد.

رویکرد ما به عهدین، همانند قرآن و اهل بیت (ع) بدین ترتیب است که ضمن اعلام تحریف و نقصان این اناجیل، بر آن چه با آموزه‌های اسلام سازگار باشد، مهر تأیید زده و دفاع می‌کنیم و از آن چه با اسلام و بدیهیات عقلی تعارض دارد، روی گردانیم.

## ● منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- استرآبادی، شرف‌الدین علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم، ۱۴۲۱ ق.
- ۲- انجیل برنابا، ترجمه حیدرقلی خان قزلباش (سردار کابلی)، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۳- پوراسماعیل، احسان، آینده‌ی بشریت از دیدگاه قرآن و عهد جدید، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۴- دوران‌ت، ویل، تاریخ تمدن (قیصر و مسیح)، ترجمه علی اصغر سروش، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۵- صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۶- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- ۷- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، به کوشش هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، بی‌تا.
- ۸- فخرالاسلام، محمدصادق، أنیس الاعلام فی نصرۃ الاسلام، بی‌تا، بی‌جا.
- ۹- فیلسون، فلویید، کلید عهد جدید، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، ۱۳۳۳ ش.

- ۱۰- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۱- کاشفی، محمد رضا، فرهنگ و مسیحیت در غرب، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۲- کتاب مقدس، (ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران)، ایلام، ۲۰۰۲ م.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۴- مریل، سی. تنی، معرفی عهد جدید، ترجمه ی ط. میکائیلیان، تهران، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۵- بوکای، موریس، مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح... دبیر، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۱۶- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه ی حسین توفیقی، قم، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- ۱۸- میلر، و. م، تفسیر رساله ی پولس به رومیان، ترجمه ی علی نخستین، بیروت، ۱۹۲۸ م.
- ۱۹- هاکس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۹ ش.
- ۲۰- همای، عباس و پوراسماعیل، احسان، «سرانجام عیسی (ع) در مقارنه میان قرآن و عهد جدید»، پژوهش نامه ی قرآن و حدیث، شماره ی اول، ۱۳۸۵ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی